

ایران در انزو و نیست



روزنامه ایران در یادداشتی نوشت: در سال‌های اخیر این گزاره از سوی برخی رسانه‌های غربی بارها مطرح شده است که ایران در انزوا قرار دارد. این ادعا بر پایه یک برداشت نادرست استوار بود. واقعیت آن است که ایران نه‌تنها در انزو نیست، بلکه فعلانه در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی حضور دارد. جریانی که تلاش می‌کند «انزوای ایران» را القا کند، جهان را تنها در درجه اروپا و امریکا می‌بیند؛ گویی هر کشوری که با غرب رابطه نداشته باشد، منزوی است، در حالی که همان کشورهای که در خود را معیار ارتباطات جهانی می‌دانند، از متحدانی حمایت می‌کنند که در دادگاه لاهه به‌عنوان جنایتکار جنگی تحت محاکمه‌اند، اما همچنان روابط سیاسی و نظامی با آنان را ادامه می‌دهند. ارتباط با همسایگان برای ایران یک ضرورت است و سفرهای دیپلماتیک دولت به کشورهای منطقه اقدامی مثبت محسوب می‌شود، با وجود این صرف انجام سفر و امضای تفاهنامه کافی نیست. تجربه نشان داد بسیاری از تفاهنامه‌ها به قرارداد الزام آور و عملیاتی تبدیل نشده و حتی برخی قراردادها نیز به‌طور کامل اجرا نمی‌شوند، بنابراین دولت باید بر تبدیل سفرهای دیپلماتیک به قراردادهای اجرایی و عملیاتی متمرکز شود. تنها در این صورت است که می‌توان روابط اقتصادی، تجاری و سیاسی را به سطحی مؤثر و پایدار رساند. نمونه اخیر، حضور ایران در اجلاس کشورهای اوراسیاست که فرصتی مهم برای توسعه همکاری‌های منطقه‌ای به شمار می‌رود. ایران باید با نگاه راهبردی، از فرصت‌های بهره‌برداری کند و با پیگیری مستمر، تفاهنامه‌ها را به قراردادهای واقعی تبدیل نماید. در این صورت است که سیاست همسایگی می‌تواند به دستاوردی ملموس برای کشور تبدیل شود.

«پالس مذاکره»

آلودن جامه سیاست در خاک حقارت



روزنامه شرق در نقد نگاهی که همچنان مذاکرهاز دشمن را التماس می‌کند، نوشت: البته که ما مخالف مذاکره نبوده و نیستیم و همواره بر آن پای فشرده‌ایم، اما آنگاه که دشمن خود را پیروز میدان می‌داند و از استغنائی لجبستیکی و دیپلماتیک بر‌خوردار است، اصرار بر مذاکره و واسطه‌تراشی‌های گوناگون نتیجه معکوس دارد. وقتی شمارها با عمل و با قدرت بازدارندگی متوازن نبوده باشد، طبیعی است که ارسال پیاپی «پالس» مذاکره بیهوده است. این دیگر درخواست مذاکره نیست بلکه جامه سیاست خود را به شوخ آلودن و در خاک حقارت، خاکسار گشتن است. طرف هم که به خیال واهی خود از نقطه ضعف آگاه‌تر می‌شود، مذاکره را نخواهد پذیرفت، بلکه به طمع راهاندازی جنگ دوم می‌افتد و این بار رتوس نهادهای سیاسی را می‌زند یا می‌راید تا پس از آن باقی ماندگان را به پای میز مذاکره بنشاند، یعنی این‌بار تشویق می‌شود که مذاکره را به پس از جنگ (شاید) گواه دوم به تعویق بیندازد. اینکه با ژنرال آویو و حیفا با موشک‌های ایرانی آسیب‌های جدی دیده‌اند، دست کم نگیرید. ضربه حیثیتی و تاریخی آن برای اسرائیل بسیار مهم‌تر از اثر تخریب فیزیکی آن است. اسرائیل باید این اثر تاریخی و حیثیتی را از گونه‌از ذهن جهانگردی برداید که دیگر کسی را جرئت تکرار نباشد، از این روز منظر اسرائیل باید تغییر رژیم و بلکه تجزیه ایران در دستور کار قرار بگیرد. نویسنده اضافه کرده است: در کینه‌توزی اسرائیلی تنها ستاروی ترور بلکه رابیش را نیز باید جدی گرفت. مقلات در ارسال چنین «پالس»‌هایی باید مهارت و دقت لازم از خود نشان دهند. از معف، مذاکره به‌رنی‌اند بلکه از گفتار قدرت و پشتوانه کافی نظامی است که مذاکره حاصل می‌شود. این افراط و تفریط‌ها یا به ضعف تلقی می‌شود یا به سر درد کمی. ایران قدرتمند است و ظرفیت‌های انفدیی و پدافندی بالایی دارد. مهم‌تر از آن، ظرفیت نهادی و مدنی ایران است که بسپار غنی است.

اصلی‌ترین ظرفیت پدافندی خود را دریابیم

روزنامه مشهوری در یادداشتی با بیان اینکه اصالت نهاد خانواده در

تفکر دینی و تمدن ایرانیان بر هیچ‌کس پوشیده نیست، نوشت: خانواده در ایران قدرتمند صرفاً یک نهاد کوچک یا واحد تشکیل‌دهنده اجتماع نیست و مؤثرترین گفتوگوها و روشنگری‌های اقناع‌گرایانه در بطن آن صورت می‌گیرد. یکی از کانون‌ها و نقاطی که دشمنان صهیونیستی و امریکایی در جریان تجاوز ۱۲ روزه اخیر به مواجه با آن زمینگیر شدند، همین نهاد مقدس بود. خانواده‌های ایرانی در این آوردگاه تبدیل به مأمن و محفلی برای درک ماهیت دشمنان و کنشگری آگاهانه در قبال تجاوز به خاک کشورمان شدند.

مهم‌ترین و کارآمدترین نهادهی که مصادیق دین، تمدن، فرهنگ و علقه به سرزمین و تسلیم‌ناپذیری در برابر بیگانه جملگی در بستر آن تبلور می‌یابد، خانواده است. این قاعده در قبال ایران اسلامی به‌مراتب نسبت به دیگر کشورهای جهان پررنگ‌تر است. خانواده حلقه اصلی اتصال «تفکر ناب شرق» به «مسئولیت‌پذیری جمعی» و «گفت‌وگو با مسئولان طلبی» در برابر بیگانه» است. اگر این حلقه وصل یا همان دال مرکزی مخدوش شود، دیگر محالی برای اتصال این ملفه‌ها و شکل‌گیری منظومه پایدار زیست فردی و اجتماعی اعضای جامعه بر مبنای الگوی اسلامی – ایرانی – چراکه بعداً از آغاز جنگ جهانی دوم به است: «اغراق نیست که نهاد خانواده»، اصلی‌تر ین ظرفیت پدافندی خود در برابر انواع همه‌جه‌های خصم و قبیح و ذلیل صهیونیستی و امریکا قلندار کنیم و در صیانت از ساختار و کارکرد آن نهایت تلاش ممکن را صورت دهیم.

درس‌های آلاسکا

روزنامه صبح‌تون در شماره دیروز خود نوشت: دیدار جمعه‌شب پوتین و ترامپ در آلاسکا، بخی‌های میان دو رقیب دیرینه را آب کرد و با فرش قرمز ترامپ برای پوتین و سپس تأیید ادعای «قلب در انتخابات» ترامپ، توسط پوتین، چشم‌انداز روشنی را برای توافقات دو کشور ترسیم کرد، اما فالخ از بدبختان‌ها و توافق‌های میان روسیه و امریکا درباره پرورنده صلح او کراین، نفس خود این دیدار برای پوتین بُرد محسوب می‌شد، چراکه بعداً از آغاز جنگ اوکراین، روسیه در انزوای سیاسی از سوی غرب قرار گرفته بود، از تحریم‌های شدید اقتصادی گرفته تا تعلیق‌های ورزشی و نشست‌های بین‌المللی، اما استقلال گرم رئیس‌جمهور امریکا از همتای روس خود، تلاش سه‌ساله اروپا برای انزوای مسکو را به هدر داد. پیروزی دوم پوتین در این دیدار، کثیر نگاشته شدن او کراین و اروپا در این مذاکرات بود، اما مسئله مهم درباره این دیدار، ارتباط آن با ایران، عبرت‌ها، منفعت‌ها یا هزیه‌های آن است. در مدت جنگ اوکراین، اروپا که زورش به مسکو نمی‌رسید، با بزگنمایی همکاری نظامی ایران و روسیه به دنبال شریک برآی روسیه بود و ایران را در پیسبیل حملات خود قرار می‌داد، اما ماجرای اخیر قفقاز جنوبی و جنگ ۱۲ روزه ثابت کرد که روسیه فعلاً قصد بازیگری بزرگ ندارد و تصام تمرکز آن بر اوکراین است و ایران در پرورنده‌های مربوط به خود، دوست و شریک راهبردی ندارد و باید به تنهایی منافع خود را تأمین کند. از سوی دیگر این خطر نیز وجود دارد که مسکو برای گرفتن امتیازهای بیشتر بر سر پرورنده او کراین، با کارت ایران بازی کند. نویسنده اضافه کرده است: مذاکره مستقیم پوتین با ترامپ، بدون هیچ توافق و درویدل کردن امتیازی به نفع پوتین تعبیر شد تا جایی که رقبای غربی ما بر آن اذعان کردند، بنابراین شیوه مذاکره و ابتکار عمل مذاکره کننده و حتی زبان بدن آن در نتیجه و به تصویر کشیدن برنده مؤثر است که می‌توان از دیدار آلاسکا درس‌های زیادی از جنگ در میدان دیپلماسی گرفت.



| روزنامه جوان | شماره ۷۳۸۰ |

چگونه ظرفیت «ملت – دولت‌ها» دستیابی ایران به اهداف ضداستکباری را هموار می‌کند؟

امریکا را با دیپلماسی عمومی از منطقه اخراج کنید



یکی از وجوه مغفول مانده یا کم‌برخوردار در سیاستگذاری خارجی ایران استفاده از ظرفیت جوامع و ملت‌های منطقه و حتی جهان برای ایجاد کمپین‌های رسمی و معتبر علیه رژیم صهیونیستی و

تقویت دیپلماسی عمومی برای انزوای هر چه بیشتر اسرائیل

هدف اصلی دیپلماسی عمومی، تأثیرگذاری بر افکار عمومی کشورها و همکاری‌های امریکارباخاستند و خواستار پایان دادن به جنایت و محاکمه بانیان آن در جهان شدند. خیزش جهانی بر ضد اسرائیل بیانگر آن است که مسئله فلسطین از سطح یک مناقشه محلی فراتر رفته و به نمادی از مقاومت در برابر ظلم و مطالبه عدالت تبدیل شده است. این امر نگرانی‌های بسیاری را در میان برخی سران کشورهای منطقه برانگیخت و سبب تحریک جهت در رفتار و عملکرد آنها شد، به طوری که سیاست حمایت‌های آشکار یا محافظه کارانه آنها از رژیم جای خود را به محکومیت‌های لفظی و حمایت‌های پنهان و پشت پرده داد. دولتمردان از اینکه تعارض رویکرد دشمنان با خواسته عمومی مردم پایه‌های قدرت آنها را تهدید می‌کند، به ناچار مواضعی را در همراهی و موافقت با اراده جمعی مردم اتخاذ کردند.این تغییر جهت، ثابت کرد مؤلفه «قدرت درونی ملت‌ها»ی منطقه تا چه میزان در شکل دهی سیاست‌های کلان منطقه تأثیرگذار است و می‌تواند منبع سوتمدنی برای مقابله با نفوذ جبهه صهیونیستی – امریکایی در منطقه باشد، از این رو انتظار می‌رود نهادهای مسئول در سیاست

۱۲ خبر

۱۲ دفاعی



سرویس سیاسی، ۹۰۰۲۳۲۰۸۵

| دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۴ | ۲۴ صفر ۱۴۴۷ |

سرن دولت‌ها

واکنش‌های گسترده و متدد مردم مسلمان منطقه علیه رژیم صهیونیستی و امریکا، زنگ خطر را برای دولتمردان منطقه به صدا درآورد. رویکرد سران برخی کشورهای منطقه گرچه به سمت ایجاد مناسبات و همکاری‌های سیاسی با رژیم صهیونیستی و به رسمیت شناختن آن جریان داشت، اما بعداز وقایع ۱۷اکتبر ونمودانزار جهانی و منطقه‌ای از موجودیت اشغالگران کاهش یافت یا حتی متوقف شد.

کاهش یا توقف مسیر عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی که مورد حمایت‌های بی‌دریغ امریکاست، یکی از نتایج سودمند ضدیت افکار عمومی منطقه با رژیم صهیونیستی بعد از نسل‌کشی آن در غزه است. عربستان که پیش‌تر با گروگوشی منافع خود در صدد زمینه‌سازی برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی بوده، به‌طور ناگهانی شرط اصلی خود یعنی به رسمیت شناختن کشور فلسطین را مطرح کرد؛ شرطی که با مخالفت مقامات این رژیم مواجه شده و فعلاً روند عادی‌سازی را به بن‌بست کشانده است. علاوه بر آن، تغییر رفتار اربعش گونه ترکیه در قبال رژیم صهیونیستی نیز به ملاحظات داخلی دولت اردوغان در قبال افکار عمومی داخلی

برمی‌گردد، وگرنه اخبار و داده‌های بسیاری مؤید همکاری‌های نمی‌بند و پنهان اقتصادی ترکیه با رژیم صهیونیستی و به‌ویژه در حوزه حیاتی انرژی است.

خوبشنداری و دست به عضا بودن دولت‌ها در حمایت از اشغالگران، فرصت‌های دیپلماتیک متعددی را برای ایران به وجود آورده و درپچه ورود ایران برای ایجاد کارزار منطقه‌ای و مردمی علیه امریکا را باز کرده است، بنابراین در ابتدای امر، ایران می‌تواند هدف اولیه را رژیم صهیونیستی معرفی کند و با روشنگری و تبلیغات پیرامون آن در عرصه فرهنگی و مردمی، امریکا را مسبب اصلی نشان دهد؛ از این رونوک پیکان اعتراضات و انزاجار از صهیونیست‌ها متوجه امریکا هم خواهد شد و این را در برابر افکار عمومی که سال‌ها تلاش کرد آنها را موافق با خود کند، قرار می‌دهد. شکست امریکادر برابر بلور همگانی که سال‌ها آن را قهرمان ارزش‌های انسانی و بشری می‌دانست، بزرگ‌ترین خسارتی است که نصیبی می‌کند. در همین نقطه، سکوی پرتابی برای شکل‌گیری مطالبه عمومی و منطقه‌ای به منظور اخراج امریکا از منطقه قرار گرفته است. چهره واقعی امریکا که در دوران ترامپ، به‌طور فریبنده‌ای خود را اماندی صلح و پایان دادن به جنگ‌ها جازده است، باید رسوا شود و یکی از مسیرهای آن معرفی امریکا به عنوان عامل اصلی جنایت، قتل‌عام مردم و جنگ‌های پایان‌ناپذیر منطقه‌ای خواهد بود.

رئیس شورای راهبردی روابط خارجی:

ارمنستان نگرانی‌های ایران را بر طرف کند

در قالب یک شرکت سرمایه‌گذار و اداره‌کننده مسیر ارتباطی بین دو کشور که می‌تواند زمینه‌ساز دخالت‌های بیشتر امریکا در منطقه باشد، اعلام کرد و گفت: ما امیدواریم دولت ارمنستان نگرانی‌های جمهوری اسلامی ایران را بر طرف سازد. واهان گوسیتیان، معاون وزیر امور خارجه ارمنستان نیز در این ملاقات با قدردانی از حمایت همیشگی دشمن موفق به پیشروی‌هایی شد، اما به محض اینکه زرمندگان ما سازماندهی شدند، عملیات‌های آفندی آغاز و دشمن به عقب رانده شد. در نامه هشتم صدام، او به عقب‌نشینی و پذیرش قطعنامه‌ای که قبلاً پاره کرده بود، اذعان کرد و هیچ دستاوردی برای خود به ارمنان نیاورد. سررتیب دوم فولادی گفت: در جنگ اخیر نیز در ساعات اولیه، دشمن موفق به کسب برخی پیروزی‌ها شد، اما با سازماندهی نیروهای مسلح ما به سرعت به این تهدید پاسخ دادند و آب‌تنش را پذیرفتند. جوانان امروز ما باید بدانند که دفاع مقدس، در گذشته و چه حال، به ما درس‌های مهمی آموخته است. ما در هر دو مقطع، متکی به خود و خدای خود بوده‌ایم و با اتکا بر توان نظامی خود، در برابر دشمنان ایستاده‌ایم.

وی با بیان اینکه نظام جمهوری اسلامی ایران همچنان با دشمنانی مواجه است که توطئه‌ها و شرارت‌های خود را ادامه می‌دهند، اظهار کرد: آنچه ما را در دوران دفاع مقدس نجات داد، رهبری و فرماندهی حضرت امام(ره)، توان رزمی نیروهای مسلح و همت و اراده مردم شریف ایران بود. امروز نیز این عوامل به یاری ما آمده است.

رئیس سازمان حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس ارتش گفت: ملت ما و نسل‌های آینده باید بدانند که تا زمانی که مطیع رهبری بانیشم و نیروهای مسلح بر توان خود تکیه نکنند، امنیت ما برقرار نیست. امنیت ما نتیجه تلاش‌های خودمان است و عاری نیست. در آن زمان، صدام می‌خواست خرمنشهر را سر روزه بگیرد و یک هفتای به تهران برسد نظام را تغییر دهد. هدف دشمن در هر دو مقطع زمانی یکسان بود. اگر چه در آغاز جنگ تحمیلی هشت ساله، دشمن موفق به پیشروی‌هایی شد، اما به محض اینکه زرمندگان ما سازماندهی شدند، عملیات‌های آفندی آغاز و دشمن به عقب رانده شد. در نامه هشتم صدام، او به عقب‌نشینی و پذیرش قطعنامه‌ای که قبلاً پاره کرده بود، اذعان کرد و هیچ دستاوردی برای خود به ارمنان نیاورد. سررتیب دوم فولادی گفت: در جنگ اخیر نیز در ساعات اولیه، دشمن موفق به کسب برخی پیروزی‌ها شد، اما با سازماندهی نیروهای مسلح ما به سرعت به این تهدید پاسخ دادند و آب‌تنش را پذیرفتند. جوانان امروز ما باید بدانند که دفاع مقدس، در گذشته و چه حال، به ما درس‌های مهمی آموخته است. ما در هر دو مقطع، متکی به خود و خدای خود بوده‌ایم و با اتکا بر توان نظامی خود، در برابر دشمنان ایستاده‌ایم.

وی با بیان اینکه نظام جمهوری اسلامی ایران همچنان با دشمنانی مواجه است که توطئه‌ها و شرارت‌های خود را ادامه می‌دهند، اظهار کرد: آنچه ما را در دوران دفاع مقدس نجات داد، رهبری و فرماندهی حضرت امام(ره)، توان رزمی نیروهای مسلح و همت و اراده مردم شریف ایران بود. امروز نیز این عوامل به یاری ما آمده است.

رئیس سازمان حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس ارتش گفت: ملت ما و نسل‌های آینده باید بدانند که تا زمانی که مطیع رهبری بانیشم و نیروهای مسلح بر توان خود تکیه نکنند، امنیت ما برقرار نیست. امنیت ما نتیجه تلاش‌های خودمان است و عاری نیست.



سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:

برای در هم شکستن

جبهه هر متجاوزی آماده‌ایم

سپاه پاسداران در بیانیه‌ای تأکید کرد: ایران در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی و مقابله با هر گونه تهدید و توطئه استکباری و صهیونیستی، مصمم‌تر از همیشه ایستاده است. به گزارش سپاهنیوز، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای به مناسبت ۲۶ مردادماه سالروز ورود آزادگان سرافراز به میهن اسلامی، ضمن گرامی‌داشت این روز تأکید کرده است: آزادگان عزیز، نماد حقیقی مقاومت فعال و امید راهبردی هستند؛ همان حقیقتی که در دفاع مقدس هشت ساله، ۱۲ روزه و نیز جبهه مقاومت فلسطین و همچنین میدان‌های شکست‌های پیاپی رژیم صهیونیستی و حامیان امریکایی‌اش در منطقه جلوه گر شده است. تجربه آنان اثبات کرد قدرت ایمان، وحدت ملی و استقامت انقلابی می‌تواند بزرگ‌ترین ماشین‌های جنگی و سیاست‌های سلطه‌گرانه را به زانو درآورد. در همین بیانیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت ۲۶مردادماه سالروز ورود آزادگان سرافراز به میهن اسلامی به شرح زیر است:

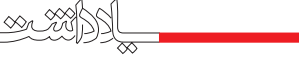
بسم‌الله الرحمن الرحیم

«۲۶مردادماه» سالروز بازگشت حماسه‌آفرین آزادگان سرافراز به آغوش گرم میهن اسلامی، یادآور صبر الهی، اراده آهنین و ایمان راسخی است که در سخت‌ترین میدان‌های آزمایش، پرچم عزت و سربلندی ملت ایران را برافراشت.

این قهرمانان بی‌ادعا، نه تنها در دوران اسارت با شجاعت و صلابت، نقشه‌های دشمن بعثی و حامیان غربی و شرقی‌اش را ناکام گذاشتند، بلکه پس از بازگشت، با حضور فعال و الهام‌بخش در عرصه‌های علمی، فرهنگی، مدیریتی، اجتماعی و توسعه و گسترش رژیم صهیونیستی و به‌ویژه در حوزه حیاتی انرژی است.

خوبشنداری و دست به عضا بودن دولت‌ها در حمایت از اشغالگران، فرصت‌های دیپلماتیک متعددی را برای ایران به وجود آورده و درپچه ورود ایران برای ایجاد کارزار منطقه‌ای و مردمی علیه امریکا را باز کرده است، بنابراین در ابتدای امر، ایران می‌تواند هدف اولیه را رژیم صهیونیستی معرفی کند و با روشنگری و تبلیغات پیرامون آن در عرصه فرهنگی و مردمی، امریکا را مسبب اصلی نشان دهد؛ از این رونوک پیکان اعتراضات و انزاجار از صهیونیست‌ها متوجه امریکا هم خواهد شد و این را در برابر افکار عمومی که سال‌ها تلاش کرد آنها را موافق با خود کند، قرار می‌دهد. شکست امریکادر برابر بلور همگانی که سال‌ها آن را قهرمان ارزش‌های انسانی و بشری می‌دانست، بزرگ‌ترین خسارتی است که نصیبی می‌کند. در همین نقطه، سکوی پرتابی برای شکل‌گیری مطالبه عمومی و منطقه‌ای به منظور اخراج امریکا از منطقه قرار گرفته است. چهره واقعی امریکا که در دوران ترامپ، به‌طور فریبنده‌ای خود را اماندی صلح و پایان دادن به جنگ‌ها جازده است، باید رسوا شود و یکی از مسیرهای آن معرفی امریکا به عنوان عامل اصلی جنایت، قتل‌عام مردم و جنگ‌های پایان‌ناپذیر منطقه‌ای خواهد بود.

دشمنان ایران و ایرانی نیز بداندند: همان ملتی که فرزندانش سال‌ها در زنجیر اسارت دشمن، پرچم تسلیم را بر زمین انداخت و پرچم عزت را برافراشت، امروز در بلندای شکوهمند تجربه، ایمان و اقتدار چندین برابر است. دشمنان جبهه هر متجاوز و هر نقشه‌شوم علیه امنیت و آینده سرزمین خود است، به فضل الهی و با تکیه بر وعده نصرت خداوند، همان گونه که آزادگان ما از بند اسارت رهایی یافتند، ملت‌های مظلوم منطقه نیز در پرتو مقاومت و بیداری اسلامی، سلطه‌طلبان و اشغالگران صهیونی و امریکایی را از سرزمین‌های خود بیرون خواهند راند و جغرافیای مقاومت را تا اقی پیروزی نهایی امت اسلامی گسترش خواهند داد.



خطرناک‌تر از بمب

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در بحبوحه جنگ ۱۲ روزه، پرده از هدف اصلی تجاوز به ایران کنار زد و گفت که این درگیری می‌تواند به «تیزر رژیم» در ایران منجر شود، همچنین وزیر جنگ این رژیم هدف حملات را «ضعیف حکومت» معرفی کرد و وزیر دیپاسپورازارت امور اقلیت‌های یهودی خارج از اسرائیل) هم را فراتر گذاشت و خطاب به هسته‌های خسته متناق و سلطنت‌طلب و مزدور و اذلال و ابوابش داخلی نوشت: «فرز تیزر تاریخی پیش آمده استفاده کنید، ما از مبارزه شما حمایت می‌کنیم». این اعتراضات کم‌سابقه و بی‌برده نشان داد هدف اصلی جنگ، تلاش برای بی‌ثبات‌سازی ایران از درون بود، نه صرفاً بهانه‌های هسته‌ای و نظامی کشور.

«صلحا ایران»، روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI. IR در سرمقاله شماره ۵۶ نوشته است:

دشمن در رسیدن به این هدف کلیدی خود ناکام ماند اما این پایان ماجرائست. شکست در میدان، دشمن را از رؤیای بی‌ثبات کردن ایران منصرف نگردانست و هر متغیر داخلی یا خارجی که به اختلاف و آشوب منجر شود، مطلوب‌ترین سناریو برای دشمن است.

تل آویو خوب می‌داند که نمی‌تواند ایران را از بیرون شکست دهد، بنابراین تمرکز اصلی دشمن بر عملیات روانی و بحران آفرینی داخلی است. در چنین شرایطی، تنها یک حقیقت است که باید مبنای وحدت و اقدام قرار گیرد و آن «دفاع از کشور، دفاع از نظام و دفاع از ایران عزیز است». فئاسازی‌های ورهیاهو علیه برخی مسئولان و دستگاه‌های مختلف کشور نه یک نقد سازنده، بلکه آتشی است که بذر بی‌ثباتی را در زمین می‌پاشد، البته که نقد منصفانه، طبیعی و ضروری است، اما هنگامی که بر خورده‌ها به سمت مطالبه‌ای سوق داده شود که نتیجه مستقیم آن شکستن ثبات سیاسی و اجتماعی است، آگاهانه یا ناآگاهانه همان نقشه‌ای اجرا می‌شود که دشمن آرزویش را دارد.

اگر برای می‌کنیم که دشمنی می‌دهد که هنوز هم در پی خیانت است. به خطای بزرگ‌تر بر خورد کرد، چنین کاری فقط تنش ایجاد می‌کند و فرصت طلایی را به دشمنی می‌دهد که هنوز هم در پی خیانت است. اینجاست که پای اولویت‌ها به میان آمده و تعیین آنها در شرایط تهدید خارجی، کار دشواری نیست.

جنگ ۱۲ روزه نشان داد که ملت ایران در بزرگه‌های سخت، یکپارچه می‌ایستد. این سرمایه عظیم امروز در دست ماست و مسئولیت همگانی ایجاد می‌کند که از آن پاسداری کنیم. روزنامه‌نگار، خطیب، مسئول دولتی، روحانی، استاد دانشگاه و جوان دانشجو، هر کدام وظیفه‌ای دارند که نگذارند اختلاف‌نظر طبیعی به بحرانی خودساخته بدل شود. دشمن نکستست‌خورده در جبهه نظامی، اکنون چشم به بی‌ثباتی داخلی دوخته است، نباید با بی‌دقتی و هیجان کاذب، همان چیزی را به او هدیه کنیم که در میدان نبرد به دست نیاورد. این جنگ هنوز تمام نشده است. ایران امروز، نه فقط با موشک‌ها توان دفاعی که با انسجام اجتماعی و بلوغ سیاسی مردمش قدرتمند است.